

دایستان بوکا

یک ایرانی که می‌خواهد همه‌جای دنیا را ببیند

کامران سلطانی

لس آنجلس

”

در محله‌ای کوچک در بوکا، جایی که فوتبال چیزی بیش از یک بازی بود، روزی وارد کافه‌ای شدم که حال و هوای خاصی داشت. نه خیلی شیک بود و نه خیلی معروف، اما پر از زندگی بود. صفا طولانی داخل کافه وجود داشت و بیش‌تر مشتری‌ها اسپانیایی صحبت می‌کردند. وقتی نوبتم رسید، به انگلیسی سفارش دادم. پسر جوانی که پشت کانتر بود، با انگلیسی دست‌وپا شکسته پاسخ داد.

